

مکتب نظامی پیامبر اعظم ﷺ

www.ketab.ir

پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)

www.ketab.ir

سرشناسه:	ابوفارس، محمد عبدالقادر Abu Faris, Muhammad Abd al-Qadir
عنوان قرارداد:	المدرسة النبوية العسكرية. فارسی
عنوان و نام پدیدآور:	مکتب نظامی پیامبر اعظم (ص) / محمد عبدالقادر ابوفارس؛ مترجم علی رضا فرازی؛ [برای پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)].
مشخصات نشر:	قم: پژوهشگاه تحقیقات اسلامی، انتشارات مزمزم هدایت، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری:	۲۹۶ ص.
شابک:	۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۴۶ - ۴۲۶ - ۵ - ۱۲۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
یادداشت:	کتابنامه: ص. [۲۹۱] - ۲۹۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع:	محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. -- فرماندهی
موضوع:	غزوات
شناسه افزوده:	فرازی، علی رضا، ۱۳۶۵ -، مترجم
شناسه افزوده:	پژوهشگاه تحقیقات اسلامی. انتشارات مزمزم هدایت
شناسه افزوده:	پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۴ الف م ۲ / ۴۰۴۱ / ۴ / ۲۴۴ BP
رده‌بندی دیویی:	۲۹۷ / ۹۳۷
شماره کتابشناسی ملی:	۴۱۲۹۲۳

مکتب نظامی پیام اعظم

نویسنده:	محمد عبدالقادر ابوفارس
مترجم:	علی رضا فرازی
ناظر علمی:	محمد عبداللہی
ناظر نہایی:	محمد یونس
صفحہ آرا:	۵۰۰
ناشر:	زمزم پبلشرز
چاپ:	زلال کوثر
نوبت و تاریخ چاپ:	اول / زمستان ۱۳۹۴
شمارگان:	۵۰۰
قیمت:	۱۲۰۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۲۴۶-۴۲۶-۵

قسم، خیابان شهید فاطمی، نبش کوچه سوم
تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۳۰۷۳۵، همراه: ۰۹۱۲ ۲۵۳ ۲۸۸۷

فهرست مطالب

۱۱	یادداشت پژوهشگاه.....
۱۳	مقدمه.....
۲۱	قرارگاه فرماندهی پیامبر ﷺ.....
۲۵	تواضع و همسانی فرمانده با سربازان.....
۳۵	شجاعت، پایداری و فداکاری فرمانده.....
۳۹	۱. پایداری پیامبر فرمانده.....
۳۹	۲. شجاعت فرمانده.....
۴۰	۳. ایستادگی اندک شماری از سربازان در کنار فرمانده.....
۴۰	۴. اشتباه نظامی بزرگ دشمنان اسلام.....
۴۷	رابطه فرمانده با سربازان خود.....
۵۵	توانایی حل مشکلات.....
۵۶	۱. فتنه غزوة بنی مُضَلِّق.....
۵۹	۲. اعتراض انصار به محروم شدنشان از غنائم خنین.....
۶۷	۳. فتنه میان اوس و خزرج.....
۷۱	شناخت دقیق فرماندهان دشمن و ویژگی‌های آنان.....
۷۵	اطلاعات نظامی.....
۸۵	شناسایی.....

۹۷	طرح ریزی نظامی.....
۹۸	۱. طرح ریزی هجرت به مدینه.....
۱۰۵	۲. طرح ریزی جنگ احد.....
۱۰۹	۳. طرح ریزی جنگ خیبر.....
۱۱۵	آمادگی برای جنگ.....
۱۲۹	انگیزه های جنگ.....
۱۴۱	مشارکت دادن دیگران در تصمیم گیری های نظامی.....
۱۴۷	نتیجه مشورت.....
۱۵۵	آمادگی روحی - روانی.....
۱۶۹	حمله پیش ستانه به دشمن.....
۱۷۵	حفاظت اطلاعات.....
۱۸۱	قاطعیت در برابر دشمنان پیامبر کن.....
۱۸۹	غافل گیری و شیوه های آن.....
۱۹۷	اهمیت ضربه های اقتصادی و تأثیر آن بر جنبه های نظامی.....
۲۰۳	حیله های جنگی.....
۲۰۳	۱. غافل گیر کردن دشمن.....
۲۰۴	۲. دادن اطلاعات نادرست به دشمن برای گمراه ساختن و فریب دادن او.....
۲۰۸	۳. تفرقه افکنی در جبهه دشمن.....
۲۰۸	۴. نیرنگ زدن.....
۲۱۰	۵. توریه کردن در سخن و حرکت.....
۲۱۳	استفاده از راهنماها و راه بلدها در تحرکات نظامی.....
۲۱۵	نظم و انضباط نظامی.....
۲۲۹	بارور ساختن ظرفیت های نظامی سربازان و تربیت فرماندهان جدید.....
۲۴۱	ارتقا و افزایش توان نظامی.....
۲۴۷	شیوه برخورد با سرپیچی کنندگان از فرمان های نظامی.....
۲۵۹	زنان در جنگ.....
۲۶۷	اسیر کردن و احکام اسیران.....

آداب جنگ در اسلام.....	۲۷۹
۱. تفکیک غیرنظامیان از نظامیان.....	۲۷۹
۲. اجتناب از پیمان شکنی.....	۲۸۱
۳. مُثله نکردن.....	۲۸۳
۴. تجاوز نکردن به منازل مسکونی.....	۲۸۴
۵. تجاوز نکردن به مزارع و باغ ها.....	۲۸۶
۶. تعرض نکردن به چارپایان دشمن و نابود نساختن آن ها برای انتقام جویی یا به سبب رفتارهای خودسرانه.....	۲۸۷
۷. زیر پا نگذاشتن حق و سهم رزمندگان از غنائم.....	۲۸۸
کتابنامه.....	۲۹۱

یادداشت پژوهشگاه

دکتر، محمد ابوفارسی چندین کتاب در زمینه سیره و غزوات پیامبر اکرم (ع) نگاشته است، که «المدرسة النبویة العسکرية» یکی از آنهاست. با توجه به اینکه نویسنده کتاب پیش رو به صورت فنی و معقول، روش‌ها و تاکتیک‌های نظامی آن حضرت را بررسی کرده است، ترجمه آن برای بهره‌برداری نظامیان در مشاغل و مأموریت‌های خود مناسب به نظر رسید.

در ترجمه این اثر کوششیم کمزوری‌های آن را جبران کنیم؛ از این رو، مواردی که نیاز به توضیح و اصلاح داشت یا مطالبی که نگارنده بدون اشاره به منبعی نقل کرده یا به نوشته‌های چاپ‌نشده خود استناد کرده بود، در حد توان خویش، اصلاح یا مستند کردیم، که در پانویست با علامت «م» مشخص شده است. در عین حال، تفاوت دیدگاه ما با مؤلف در نظر خوشبینانه و اعجاب‌انگیزش نسبت به برخی اشخاص موجب تغییر در ترجمه متن کتاب نگردید؛ فقط در موارد ضروری در پاسخ به این دیدگاه‌ها توضیح اندکی در پانویست آورده‌ایم.

مقدمه

خداوند متعال حضرت محمد مصطفی ﷺ را هدایتگر، بشارت دهنده، دعوت کننده به سوی خود و چراغی روشنی بخش قرار داد و او را رحمت جهانیان و بیم دهنده‌ای برای تمام مردمان، از هر رنگ و نژاد و سرزمین و زبان و سبکست، مقرر فرمود. خداوند در حالی این مسئولیت را به پیامبر خود سپرد که آن حضرت در مکه، عربستان بود که نه حکومتی در آن داشت و نه قدرتی؛ آن گاه در همان حال به او فرمود:

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا^۱

بگو: ای مردم، من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم.

رسول خدا ﷺ، از نخستین روز دعوت خود، حق را آشکار ساخت و رسالت خویش را ابلاغ کرد؛ در پی دعوت او، مردم به دو جبهه تقسیم شدند؛ جبهه ایمان که از کفر پاک بود؛ و جبهه کفر که از ایمان تهی بود.

به تدریج، مبارزه یاران شیطان و یاران خدای رحمان، شدت یافت؛ دشمنانی که شمار افزون‌تر و نیروی بیشتر از آن شیطانیان بود. آن‌ها، با پیروی از هواهای نفسانی و اندیشه‌های پریشان و باورهای باطل و منحرف خود، در برابر دعوت پیامبر اسلام، قد علم کردند و تمام توان، امکانات و نیروی خود را در آزاررسانی مؤمنان به کار بستند تا آن‌ها را از راه حق و هدایت منحرف سازند.

اما مؤمنان پایداری ورزیدند، شکیبایی پیشه کردند، گرد پرچم رهبری رسول خدا ﷺ جمع شدند، آن حضرت را حمایت و یاری کردند و از نوری که بر او نازل شده بود، پیروی نمودند. در جریان این مبارزه، هر روز بر شمار یاران خدای رحمان افزوده می شد و تردید و اضمحلال در جبهه های یاران شیطان فزونی می یافت. این رخداد، خشم یاران شیطان را بیش از پیش برمی انگیزخت و آن ها را به ادامه مقابله با مؤمنان و خدشه وارد کردن به وجهه آنان، وامی داشت. خداوند تبارک و تعالی، یارانش را ابتدا از نعمت پایداری و شکیبایی بهره مند ساخت سپس، پیروزی و نصرت را به آن ها ارزانی داشت. بدین ترتیب، مسلمانان حکومت نیرومندی را پایه نهادند که آزادی و امنیت را نه تنها برای آنان، بلکه برای همه کسانی فراهم آورد که با محترم شمردن اسلام و فرمان های آن، خواهان زندگی در این حکومت بودند. این حکومت از دیرباز تا کنون، دشمنان بسیاری داشته است. در آغاز دعوت اسلام و برپایی حکومت اسلامی، همه قبایل مشرک عرب و بسیاری از آن ها، قریش، به دشمنی با آن پرداختند. یهودیان مدینه و خیبر، دشمنان کینه توز دیگری برای این حکومت نوپا بودند که برای ویران کردن آن از اساس، پیوسته دست به توطئه و نیرنگ می زدند. عرب های مسیحی و رومیان نیز با فراهم کردن لشکرهای پر شمار و تبلیغات گسترده، در میان مردم برای نابودی این حکومت می کوشیدند. ایرانیان، به پادشاهی خسرو پرویز، آنسوی سرزمین و کافرانی بودند که از اسلام بیزار و در پی نابودی آن بودند؛ علت این امر آن بود که پس از اسلام آوردن ساسان بن باذان، کارگزار خسرو پرویز در یمن، و تثبیت او در این منصب از سوی پادشاه، برای ایستادگی در برابر خسرو پرویز و سپس، جایگزین شدن فرزند ساسان در منصب او از سوی حضرت، پس از مرگ ساسان، منافع خسرو پرویز در آن منطقه، به شدت، از سوی پیامبر اسلام ﷺ، تهدید می شد. تعدد دشمنان، شمار فراوان آن ها و ساز و برگ بسیارشان، مسئولیتی سنگین بر دوش پیامبر و یاران او قرار می داد.

با بررسی سیره رسول خدا ﷺ، به ویژه آنچه که درباره سربّه ها، غزوه ها و گروه های اعزامی از سوی حضرت آمده است، می توان دریافت که پیامبر ﷺ، مکتبی نظامی برای مسلمانان به جا گذاشته است که شایسته است امت اسلامی و پیشاپیش آن ها نظامیان مسلمان، با همه توان به آن چنگ زنند و با نگاهی ژرف و دقیق به بررسی آن همت گمارند و خود را منطبق بر اصول نظامی و شیوه های جنگی که این مکتب بر آن ها استوار است، تربیت کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با فرماندهی خود در جنگ‌های خونین مسلمانان با قبایل مشرک عرب در جزیره العرب، قبایل یهودی مدینه و خیبر، مسیحیان عرب و رومی و نیز ایرانیان، توانست مکتبی نظامی شکل دهد که از حیث فرماندهان، سربازان و شیوه‌های عمل آن، منحصر به فرد و متمایز بود. آن حضرت زمانی به ملکوت اعلی پیوست که این مکتب نظامی را شکل داده و ویژگی‌ها، اهداف و شیوه‌های عمل آن را معین فرموده بود.

بنیان‌گذار این مکتب، محمد بن عبدالله قرشی، فرماندهی زیرک، هوشیار و برجسته بود که این ویژگی‌های ممتاز و خصلت‌های پسندیده را از پروردگار تبارک و تعالی دریافت کرده بود. خداوند سبحان چه آن زمان که در شکم مادر بود و چه پس از ولادت تا زمان وفات او، وی را سرپرستی کرد به نیکوترین آداب تربیت کرده و همه دانش‌ها را به او آموخته بود که در ضمن آن‌ها، دانشی نظامی بود که هیچ انسانی، پیش از او، از آن بهره‌مند نشد.

خداوند پیامبر اسلام را به اعلی کمال یافته، متخلق نمود که از جمله آن‌ها، اخلاق نظامی آن حضرت بود. مربی و آموزگار پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن بوده است. این قرآن چشمه‌ای جوشان و بی‌پایان از آموزه‌هایی در باب اخلاق نظامی، آمادگی‌های نظامی، عوامل پیروزی و اسباب تحقق آن در جنگ است.

بنیان‌گذار این مکتب نظامی، در محیطی بالید بود که باری‌اش کرد به یک فرمانده نظامی تأثیرگذار تبدیل شود. آن حضرت از خردسالی در بیابان رشد کرده بود؛ جایی که زندگی خشن و دشوار و به دور از مظاهر رفاه و راحتی بود. او در نوجوانی، سربازی را پیشه ساخت؛ چوپانی، صفاتی نیکو و خصلت‌هایی پسندیده چون فروتنی، مهربانی و جیرجراهی برای مردم رادر او پدید آورد. او سپس، با تجارت، و از رهگذر تعامل و داد و ستد با مردم نجبه‌ای گسترده درباره شخصیت‌های گوناگون مردمان و ویژگی‌هایشان به دست آورد. از آن سفر همراه عمویش نیز بهره‌های ارزشمندی برد.

بنابر این، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با قشرهای گوناگون جامعه، سطح اندیشه و تفکر، مسائل و مشکلات، آداب و رسوم آنان در تعامل و برخورد با یکدیگر، و اختلاف‌ها و دشمنی‌ها یا دوستی‌ها و تعامل‌هایی که به تبع آن‌ها ناشی می‌شد، آشنایی یافت.

پیش از بعثت، شهرت او فراگیر شده بود و به سبب امانت‌داری و پاک‌دامنی‌اش، لقب او (امین) از نامش شناخته شده‌تر بود. او در میان قبیله خود و نیز مکه، به اصلاح میان مردم

می پرداخت و هنگام بروز اختلاف نظر در میان آنان، حکم پذیرفته شده، حکم او بود. ماجرای بنای نهادن کعبه و استقرار حَجَرِ الْأَسْوَد، نمونه‌ای از رفتار او در برقراری آشتی میان نزاع‌کنندگان است. در این حادثه، پس از در گرفتن نزاعی که چیزی جز جنگ یا آشتی آن را پایان نمی‌داد، طرفین، حضرت را حَکَم قرار دادند و با تدبیر او، آشتی برقرار شد.

از این گذشته، او از نوجوانی در جنگ‌ها شرکت می‌کرد و نه تنها از میدان‌های نبرد دور نبود، بلکه مردان بالغ را در سفرها و جنگ‌ها همراهی می‌کرد.

خداوند متعال او را امین و وحی خود ساخت و بار رسالت خویش را بر شانه‌های او نهاد تا فرماندهی نظامی باشد که امت خود را به پیروزی‌های پایایی و فتح قله‌های عزت و مجد، یکی پس از دیگری، رهنمون شود و مکتبی نظامی برای امتش به یادگار نهد تا همواره از اصول آن پیروی کنند از آن بر برند: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ؛ خداوند آگاه‌تر است که رسالت خویش را کجا قرار دهد»^۱

به علاوه، باید راه‌هایی الهی را که خداوند، پیامبر خود را، چه پیش یا پس از بعثت، از آن بهره‌مند ساخته است، به این خدمت‌های پسندیده و ویژگی‌های ممتاز افزود. همین راهنمایی، حضرت را به بهترین تصمیم‌های نظامی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای ساختن جامعه و اداره حکومت، هدایت می‌کرد.

چنان‌که فرشتگان، و پیشاپیش آن‌ها حضرت جبرئیل، در رکاب حضرت می‌جنگیدند و جبرئیل، فرمان نظامی الهی، مبنی بر جنگ با «بنی‌ریظ»^۲ را، با او انتقال داد و گفت:

ای محمد! می‌بینم که سلاح خود را بر زمین نهاده‌ای. [پس بدان که] فرشتگان هنوز سلاح خود را بر زمین نگذاشته‌اند. خداوند به تو اسرمی‌کند برای جنگ با بنی‌قُرَیظَه، به سوی آنان روانه شوی. من نیز فرشتگان را به سوی آن سامان می‌برم و سست و متزلزلشان می‌سازم.

بدین ترتیب، پیامبر اکرم ﷺ، این فرمان نظامی را به مسلمانان انتقال داد و فرمود:

هر کس شنوا [ی فرمان حق] و فرمان‌بردار است، نماز عصر را جز در [سرزمین] بنی‌قُرَیظَه به جا نیاورد.^۳

۱. سوره انعام، آیه ۱۲۴.

۲. فتح الباری، ج ۷، ص ۴۰۸.

بنیان‌گذار این مکتب نظامی، در دانش نظامی سرآمد بود و از ذهن نظامی خلاق، آمادگی بدنی بالا و ظاهری متناسب با آن جایگاه بهره‌مند بود. توان فرماندهی او، دل‌ها را به سویش جلب می‌کرد و اقدامات نظامی‌اش، کارآمد و فعال بود.

آن حضرت فرماندهی بود که عنایت الهی او را در بر گرفته و از کامل‌ترین ویژگی‌های انسانی هم برخوردار بود؛ اما با وجود این، در بهره‌گرفتن از مشورت‌های دیگران کوتاهی نمی‌کرد. او به دانستن اخبار ملت‌های دیگر و آگاهی از دانش‌ها و تجارب نظامی آن‌ها بسیار مشتاق و کوشا بود و از این تجارب و فنون نظامی در تنظیم نقشه‌های خود در نبرد با دشمنان، استفاده می‌کرد و پیوسته می‌کوشید فرماندهان، امیران و سربازان سپاه خود را با راهنمایی‌ها، رهنمودها و تجربیات خود، رشد دهد تا جانشینان راستین او در عرصه‌های گوناگون حیات بشری باشند.

مهم‌ترین و نخستین ویژگی متمایزکننده این فرمانده، رهبری الهی‌اش بود که پیوندی استوار و ناگسستنی با پروردگار خود داشت و همواره به رهنمودها، اوامر و نواهی او پایبند بود. دانش‌آموختگان این مکتب، سرآمدان مردم زمان خود و شیران عرصه نبرد بودند که پیامبر اکرم (ص) آن‌ها را بر اساس رهنمودهای خود، تربیت کرد و از آنان نسلی قرآنی ساخت که در اخلاق، دلاوری، پایداری، شکیبایی، جوانمردی، اخلاق نظامی و دیگر ویژگی‌های نظامی، بی‌همتا بود.

افراد این نسل، همان کسانی بودند که جزیره‌السرک را فتح و آن را از آلودگی شرک و بت‌پرستی پاک کردند؛ و همان‌ها که خداوند، یمن، ایران و شام را دست‌شان گشود و با فرماندهی آن‌ها، مسلمانان در جنگ‌های یرموک و قادسیه، بزرگ‌ترین نبردهای زمان خود را شکست دادند.

این نسل، با تمام وجود، به بهره‌گرفتن از رهنمودهای نظامی و غیر نظامی پیامبر، مشتاق و حریص بود. اینان در جنگ‌ها، پیوسته با بنیان‌گذار این مکتب نظامی همراه بودند و پیامبر اکرم (ص)، فرماندهان، امیران و سربازان سپاه خود را از میان آن‌ها برمی‌گزید و آن‌ها را در قالب سریه‌ها و گروه‌هایی، به نبرد گسیل می‌داشت.

آن‌ها مشتاق شنیدن سخنان پیامبر بودند و آنچه را از حضرت می‌شنیدند برای دوستان و برادران خود که در مجالس مربوط حضور نداشتند، نقل می‌کردند. در دوران صلح نیز پیاسپی

خدمت حضرت می رسیدند تا چیزی از دست ندهند. همچنین، هنگام نبردها، مشتاقانه او را همراهی می کردند و گاه تنها افرادی اندک، آن هم به سبب وجود عذر، از همراهی اش بازمی ماندند. افراد این نسل، بار هنموده‌های پیامبر و نیز حضور در صحنه جنگ‌هایی که حضرت فرماندهی آن را بر عهده داشت یا با تعیین فرماندهان، سربازان، مقصد و اهداف آن، طرح و نقشه آن را مشخص می ساخت، با مسائل نظامی آشنا شده و بر همان اساس تربیت یافته بودند.

در عصر شکل‌گیری و قوام یافتن مکتب نظامی پیامبر، مکتب‌های نظامی دیگری نیز وجود داشت: مکتب نظامی قبایل عرب که در قریش و «هوازن» نمود می یافت؛ مکتب نظامی روم که در شام رواج داشت؛ مکتب نظامی پارس که از آن ایرانیان بود؛ مکتب نظامی دیگر نیز از آن یهودیان بود که اساس آن را، چنان که قرآن بیان فرموده است، دوری از ورود و روشن شدن با دشمن و پناه گرفتن در دژها و جنگ از پشت دیوارهای آن شکل می داد.

پیامبر اکرم ﷺ، نخستین مکتب نظامی پدید آورد که با تمام مکتب‌های پیش گفته تفاوت داشت. حضرت به این منظور، نقاط قوت دیگر مکتب‌های نظامی را برگرفته و ابتکارهایی را نیز به کار بست که هرگز به اندیشه بنیان‌گذاران و فرماندهان مکتب‌های مزبور خطور نکرده بود.

این مکتب، از آیین آسمانی اسلام، و باورهای یکتاپرستانه آن برخاسته بود. به همین دلیل، مکتبی الهی و جامع بود که در برخورد با دشمن [هرگز] به حدود عدالت تجاوز نمی کرد و توکل بر خدای یکتا و توجه به اسباب تحقق پیروزی، به جای بهریریزی، تجهیز سپاه و آمادگی آن را یک جا گرد می آورد و با شریک ساختن دیگران در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت نبرد، از تلاش‌ها، تجربه‌ها، و توانایی‌های آن‌ها بهره می گرفت تا زمینه‌های پیروزی در نبرد را هر چه بیشتر فراهم آورد.

اساس این مکتب، آمادگی همه جانبه برای جنگ بود؛ از طرفی به گردآوری اطلاعات دقیق و کامل از دشمن، و از طرف دیگر بر آورد توان و تجهیزات نظامی اش می پرداخت. برای این کار از تیم‌های شناسایی و اطلاعاتی بهره می جست و اطلاعات و اخبار مربوط به دشمن را گرد می آورد.

این مکتب، در تصمیم‌گیری‌های خود، بر مشورت، گفت‌وگو، استدلال عقلی و آزادی اندیشه تکیه داشت.

یکی از پایه‌های این مکتب، بهره گرفتن از داشته‌های موجود و بهینه‌سازی آن در چیرگی بر دشمن بود؛ از همین رو هیچ وسیله کارآمدی را از نظر دور نمی‌داشت و در هیچ حدی متوقف نمی‌شد بلکه پیوسته به بهینه‌سازی ابزارهای موجود و افزایش شمار سازوبرگ، مهارت و تجربه سپاه خود می‌پرداخت.

ویژگی دیگر این مکتب آن بود که نه تنها از همه توان موجود استفاده می‌کرد و آن را به خدمت می‌گرفت، بلکه فرماندهانی جوان و تازه تربیت می‌کرد که جانشینان فرماندهان خبره، با تجربه و ماهر می‌شدند.

این مکتب، فرماندهی نظامی بی‌همتایی داشت که از همه صلاحیت‌های علمی، رفتاری، مدیریتی و عملیاتی برخوردار بود؛ به همین دلیل می‌توانست نبردهای نظامی را به بهترین شکل مدیریت کند و با برزیدن از آن‌ها خارج شود.

یکی از ویژگی‌های این مکتب استفاده از اصل غافل‌گیری و وارد ساختن ضربه نخست به دشمن بود تا سرگردان و آشفتگی و سردرگمی در بهار تسلیم گردد.

از پایه‌های این مکتب، باور و انگیزه روحانی رزمندگان آن بود. هریک از آن‌ها خوب می‌دانست برای هدفی والا و گران‌مایه می‌جنگد؛ این هدف، به رزمندگان را از تمام بندهایی که آن‌ها را در خود گرفتار می‌ساخت، می‌رهانید، رساندن پیام نیک و آزادی به تمام بشر بود. آن‌ها می‌دانستند اگر در راه این رسالت شهید شوند، نمرده‌اند بلکه از حیات جاویدان شهیدان بهره‌مند می‌شوند و این آرزوی هر رزمنده‌ای بود؛ و اگر بر دشمن خود غالب آیند، رانندگی برای هر گام در پیمودن، هر سرزمینی، هر خاری که در پای آن‌ها فرو رفته است، هر دره‌ای که انفاق کرده‌اند، هر خانواده‌ای که هنگام حضور سرپرست آن در نبرد، سرپرستی و حمایت آن عهده‌دار شده‌اند یا دست‌یاری به سوی آن دراز کرده‌اند، از پاداشی بزرگ در سرای جاودان بهره‌مند می‌شوند.

این مکتب، مکتبی انسانی بود؛ زیرا خدایی بود. این شیوه الهی، برای به سعادت رساندن بشر آمده بود؛ از همین رو، بر خورد و تعامل آن با انسان‌ها، از همان منبع پر نور الهی ناشی می‌شد. از دیدگاه این مکتب الهی، جنگ زمان و اهدافی دارد؛ چنان‌که اسیر ساختن دشمنان، زمان و اهدافی دارد. احکام اسیران نیز هدف‌هایی دینی دارد که باید به آن پایبند بود.

این مکتب، در برابر اشتباه‌ها، سکوت نمی‌کرد؛ بلکه برای اصلاح آن اقدام و با ظلم و تعدی مقابله می‌کرد؛ با مردمان سرزمین‌های فتح شده عادلانه رفتار می‌کرد و اگر کسی از اهالی آن،

از امیر یا فرماندهی، به سبب ظلمی که بر او روا داشته بود، شکایت می کرد، منصفانه به شکایتش رسیدگی می کرد؛ زیرا مهم تبرئه افراد نبود، بلکه پاک نگاه داشتن مکتب از عیب و نقص بود و تبرئه اشخاص به زشت شدن وجهه مکتب نمی ارزید.

در کتاب پیش رو، کوشش شده است با بررسی غزوه ها، سریّه ها و گروه های اعزامی پیامبر اکرم ﷺ، ویژگی های مکتب نظامی پیامبر تبیین شود و با پژوهشی دقیق و تفصیلی، درس ها، حکمت ها و احکام نهفته در سیره نظامی پیامبر اکرم ﷺ، استخراج گردد و ضمن ارائه شواهد گفتاری و رفتاری مربوط، به استدلال، توضیح و تبیین آن ها پرداخته شود.

امروزه مسلمانان نیازمندند تا این مکتب و شیوه هایش را بشناسند و از آن بهره گیرند؛ زیرا امت اسلام از عقب ماندگی در دناکی رنج می برد و در بسیاری کشورهای اسلامی و بسیاری مسائل جاری آن ها، فاصله ای فراوان با اسلام و احکامش دیده می شود. به علاوه در عصر کنونی که ظلم و ستم عالم گیر شده است، دشمنان ما به سرزمین ها، ارزش ها و پاک ترین مقدسات ما تجاوز کرده و همگی شان را در سرتاسر کُره خاکی آواره کرده اند.

پیش از آغاز سخن، فروتنانه از خداوند عز و جلّ می خواهم کوشش مرا بپذیرد و آن را با برکت گرداند و اخلاص در گفتار و کرد مرا با من اوزانی دارد و مراد بررسی سیره رسول خود ﷺ و درک و فهم درس های نهفته در آن، برای رساندن تا از آن، نصیبی برای فرماندهان و سربازان امت اسلامی حاصل شود.

در پایان از خوانندگان محترم می خواهم با پیشنهاد و نظرهای خود مراد اصلاح آنچه به اعتقادشان نقص، عیب یا لغزشی به شمار می رود، یاری رسانند، چرا که مؤمن آینه مؤمن است.

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ بِحَمْدِكَ:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ.

۲۷ شوال ۱۴۱۲ - ۱۹۹۲/۲/۲۹ م